پرسش امروز

کارنامه تابستانی اشتغال

محمد جندقی: بازار کار در تابستانی که پیک پنجم کرونا را به ثبت رساند، نسبت به تابستان ۹۹، وضعیت ناخوشایندی را به تصویر می‌کشد. به‌رغم اینکه در اعلام نتایج نیروی کار، غالبا «نرخ بیکاری» را مبنای سنجش وضعیت بازار کار قرار می‌دهند، اما «نرخ مشارکت» باید به‌عنوان نمادی از وضعیت بازار کار مورد توجه باشد. نرخ مشارکت که مجموع جمعیت بیکاران و شاغلان را با شاخص «جمعیت فعال» نشان می‌دهد، می‌تواند اولین سیگنال از وضعیت بازار کار در مقاطع مختلف باشد.

نرخ مشارکت در تابستان ۱۴۰۰ نسبت به تابستان ۱۳۹۹ از کاهش ۰/۷ درصدی حکایت دارد. به تعبیر ساده، تمایل برای ورود به بازار کار یا حتی انگیزه جست‌وجوی شغل در گروه‌های سنی در سن کار کاهش یافته است. نرخ مشارکت نیز در هر دو گروه زنان و مردان نسبت به تابستان سال گذشته با کاهش مواجه شده است.

نکته قابل تامل این است که انگیزه اشتغال و جست‌وجوی کار در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری افت بیشتری داشته است. به استناد آمارهای مرکز آمار ایران، در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی مناطق شهری در دومین فصل سال کمتر از نیم‌درصد (۰/۴) کاهش یافته بود، این نرخ در مناطق روستایی نیز ۱/۴ درصد کمتر شده بود.

دومین شاخص مورد سنجش در بازار کار، «نسبت اشتغال» است که در تابستان امسال ۰/۶ درصد کاهش داشت، نکته مهم این است که نسبت اشتغال در بین زنان نسبت به گروه مردان، کاهش بیشتری داشته است.

اما علاوه بر نرخ مشارکت و نسبت اشتغال، «نرخ بیکاری» نیز افزایش ۰/۱ درصدی داشته است. این میزان رشد، ناچیز به نظر می‌رسد، اما این موضوع در کنار دو شاخص دیگر، سیگنال‌های منفی بازار کار در اقتصاد را نشان می‌دهد.

نکته قابل تامل این است که بیکاری زنان بیش از یک‌درصد در تابستان امسال افزایش پیدا کرده است. براینه نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار از وضعیت نیروی کار در دومین فصل سال، نشان می‌دهد که علاوه بر سیگنال‌های منفی، زنگ هشدار اشتغال بانوان به صدا درآمده است. در حالی که نرخ بیکاری گروه مردان، نسبت به تابستان سال گذشته بدون تغییر بود، این نرخ برای زنان ۱/۲ درصد افزایش یافت. افزایش نرخ بیکاری در برابر کاهش بیشتر نسبت اشتغال در گروه زنان نسبت به مردان، زنگ هشدار را برای بازار کار زنان به صدا درآورده است.

محمد آذرپناه
مشاور معاون توسعه کارآفرینی وزارت کار

شکست در سیاست‌های حمایتی

از آغاز همه‌گیری و یورس منحوس کرونا در جهان و الزام همگانی به رعایت پروتکل‌های مربوط به مبارزه با آن، در کنار دغدغه‌های مربوط به بهداشت و سلامت، معیشت و کار نیز به یکی از مهم‌ترین مشغله‌های روزمره ذهنی و عینی عمومی تبدیل شده است؛ چرا که با گسترش کووید-۱۹، دنیای کار با ویرانی گسترده‌تری مواجه شد و تعداد قربانیانی که کارشان آسیب دید، دهها برابر از قربانیانی که جانشان آسیب دید، بیشتر بود. بنابراین اکثر دولت‌ها برای محافظت از کار و معیشت مردم خود، بسته‌های مالی و پولی بی‌سابقه‌ای را در راستای مقابله با تاثیر اقتصادی و اجتماعی کرونا به کار بستند. دولت ایران نیز به‌منظور احیای مشاغل و کسب‌وکارهای به‌شدت آسیب‌دیده از کرونا و حمایت از کارگران بیکارشده، برنامه‌های مالی و حمایتی را پیش‌بینی کرد.

با امعان نظر به گذشت بیش از ۱۸ ماه از آغاز همه‌گیری کرونا در ایران، اجرا شدن برنامه حمایتی و سپری شدن مدت‌زمان معقول از مداخله دولت و همچنین انتشار گزارش پنج طرح آمار نیروی کار پس از شیوع کرونا به نظر می‌رسد، می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در مواجهه با کرونا در بازار کار را ارزیابی کرد و تصویر نسبتا روشن‌تری پیش‌روی سیاستگذاران حوزه بازار کار قرار داد. به این منظور شاخص‌های کلان بازار کار در دو مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۹ و تابستان ۱۴۰۰ مدنظر قرار گرفته است.

گزارش اولیه نتایج طرح نیروی کار در تابستان سال‌جاری نشان می‌دهد که نرخ بیکاری کل کشور در تابستان جاری، ۹/۶ درصد بوده که ۰/۱ درصد از تابستان سال گذشته، بیشتر است. در نگاه اول، نرخ بیکاری، تغییرات چشمگیری را نشان نمی‌دهد، اما وقتی این نرخ، در کنار نرخ مشارکت مورد تحلیل قرار می‌گیرد، معنای دیگری خواهد داشت؛ چرا که نرخ مشارکت در تابستان امسال ۰/۷ درصد از سال قبل کشور بود و از ۴۱/۸ درصد به ۴۱/۱ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر، با فرض ثابت‌ماندن جمعیت در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سال) و نرخ مشارکت اقتصادی سال قبل، نرخ بیکاری کشور بیش از ۱۰ درصد (۱۰/۷ درصد) می‌شود که علامت مثبتی برای پیشرفت کشور تلقی نمی‌شود. در سه سال گذشته، فارغ از روند کلی بازار کار، وضعیت اشتغال جوانان روند رو به بهبودی را نشان می‌داد و در ۱۲ ماهه اول دوره شیوع کرونا، با وجود کاهش اشتغال و آسیب‌پذیری نسبت بالای بازار کار که به از بین رفتن بیش از ۱/۵ میلیون شغل منجر شد، اشتغال جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال روند رضایت‌بخشی داشت و حتی در زمستان ۱۳۹۹ نسبت به مدت مشابه سال قبل، از تعداد بیکاران این گروه سنی حدود ۲۵۸ هزار نفر کاسته شده بود، اما نتایج طرح نیروی کار تابستان ۱۴۰۰ از تغییر این روند حکایت دارد؛ چرا که بیکاری جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال افزایش ۰/۷ درصدی و بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال نیز نسبت به تابستان سال قبل، افزایش ۰/۶ درصدی را نشان می‌دهد. از طرفی رشد اقتصادی کشور، هم در گزارش بانک مرکزی و هم در گزارش مرکز آمار ایران، بین ۶/۲ درصد تا ۷/۶ درصد در فصل اول سال برآورد شده است؛ طرحی که همزمان، هزینه نیروی کار را برای بنگاه، کاهش و دریافتی کارگر را افزایش می‌دهد و می‌تواند دلیلی بر کاهش فضای اشتغال جوانان، به‌ویژه جوانان تحصیل‌کرده در دوره استمرار کرونا باشد.

با در نظر گرفتن توفیق دولت سیزدهم در انجام واکسیناسیون کرونا، انتظار بر این است که کسب‌وکارهای به‌شدت آسیب‌دیده از کرونا تا حدودی شرایط عادی فعالیت خود را بازیابند و برنامه واکسیناسیون، ضمن تقلیل آسیب‌های جانی ناشی از شروع و بروس، آسیب اقتصادی آن را نیز تا حد زیادی ترمیم کند. در این صورت، می‌توان ارزیابی سیاستی کامل‌تری از اثرات اقتصادی دو سیاست حمایت مالی از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده و واکسیناسیون عمومی به دست داد.

دولت، سال قبل، در راستای حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از کرونا، تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت با نرخ سود ۱۲ درصد را برای پرداخت به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از کرونا در ۱۴ رسته کسب‌وکار در نظر گرفت و با وجود تلاش گسترده برای ساده‌سازی روند پرداخت تسهیلات و استفاده حداکثری از ظرفیت فناوری اطلاعات، تنها ۱۶ درصد از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از کرونا توانستند از برنامه مالی دولت برخوردار شوند. در کنار سیاست پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت، سیاست‌های امهال پرداخت حق بیمه، مالیات، هزینه انرژی و تمدید خودکار مجوزها و برقراری مقرری بیمه بیکاری به منظور حمایت موقتی از کسب‌وکارها و کارگران بیکارشده، در سراسر جهان مقدار زیادی کاهش یافته است. به‌دلیل محدودیت‌های فعلی برای جست‌وجوی شغل، چالش اصلی، تضمین آن است که جوانان تعلق و دلبستگی خود را به بازار کار از دست ندهند؛ زیرا این امر ممکن است پیوستن دوباره به بازار کار را بعد از بهبود اقتصادی دشوارتر سازد. وضعیت مشابهی در ایران هم دیده می‌شود. براساس آخرین آمار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۵/۷ درصد بوده است. این عدد نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲/۶ درصد افزایش یافته است. از طرف دیگر، این آمارها نشان می‌دهد که گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز در تابستان سال جاری شاهد افزایش بیکاری بوده‌اند. بر این اساس، این گروه سنی در تابستان ۱۴۰۰ بالغ بر ۱/۶ درصد بیکاری را تجربه کرد که نسبت به تابستان ۱۳۹۹ به میزان ۰/۷ درصد افزایش یافته است.

بررسی بازار کار فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در تابستان ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ۱۴/۴ درصد از جمعیت فعال این گروه (یک‌میلیون و ۱۲ هزار نفر) بیکار بوده‌اند. با وجود افزایش تعداد جهار هزار و ۲۳۵ نفری، افراد بیکار این گروه نسبت به تابستان ۱۳۹۹، به میزان ۰/۵ درصد کاهش یافته است که به معنای کاهش نرخ مشارکت در این گروه و خروج تعداد زیادی از افراد از بازار کار است. سهم جمعیت بیکار این گروه از کل بیکاران، ۴۰/۶ درصد بوده که رقم قابل‌توجهی است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است. از طرف دیگر، سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان با ۱/۲ درصد افزایش نسبت به فصل مشابه سال گذشته، به ۲۵/۶ درصد رسیده است.

بازار کار جوانان، حتی در بهترین دوران، بیشتر از بزرگسالان در معرض بیکاری یا اشتغال در مشاغل کم‌کیفیت قرار دارند. مطلوب نبودن متغیرهای بازار کار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در حالی است که نقش و جایگاه این گروه عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی است.

ترکیب بحران‌های تحصیلی و بازار کار خصوصی و دولتی، به دلیل رکود اقتصادی و به بهانه تعدیل نیروی کار، دست به اخراج نیروی کار خود زدند که در این میان، اخراج زنان نسبت به مردان بیشتر بوده است که نیاز به نگاه کارشناسی دارد. از طرف دیگر، بسیاری از زنان شاغل، به دلیل به‌دشمن مدارس و مهدکودک‌ها ناخواسته مجبور به ترک شغل خود شدند و از میان خانواده و شغلشان برای تحکیم بنیان خانواده، به‌اجبار خانواده را ترجیح دادند.

بسیاری از زنان شاغل هم به دلیل انجام هم‌زمان وظایف خانه، نگهداری از فرزندان و وظایف محل کار خود، مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی شدند. ناگفته نماند که در این دوران، نرخ آزار و اذیت زنان و کودکان نیز در کل جهان افزایش یافته است.

در دوران کرونا نرخ بر عهده گرفتن مسوولیت کارهای خانه و نگهداری از فرزندان برای زنان نیز افزایش یافت که در حالت عادی و بدون هیچ دغدغه‌ای این نرخ در زنان سه برابر مردان است.

بر کسی پوشیده نیست که بیماری کرونا بیش از سایر بخش‌های اقتصادی، به بخش‌های خدمات و سلامت ضربه زده است، در حالی که ۷۰ درصد زنان شاغل دنیا در این دو بخش مشغول به کار هستند؛ به همین دلیل، نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان در سطح بین‌المللی نیز افزایش یافته است. البته از اثرات مثبت این بحران نباید غافل ماند؛ چرا که بسیاری از زنان تحصیل‌کرده و متخصص که هنوز وارد بازار کار نشده بودند، در این دوران با کشف توانایی و استعدادهای خود، شروع به ایجاد کار برای خود کردند؛ به‌ویژه خانم‌های خانه‌دار با فروش اینترنتی محصولات خانگی، به عنوان کارآفرین و صاحب کسب‌وکار وارد بازار کار شدند. البته نباید تسلیم وضعیت موجود شویم. در شرایطی که جوامع با چالش‌های اقتصادی بسیاری مواجه‌اند، نباید گزینه حذف زنان از محیط کار، تنها راه یا آسان‌ترین راه باشد، بلکه می‌توان این همه‌گیری و تغییر شیوه کار و زندگی را فرصتی دانست که می‌توان موانع اشتغال زنان (نگهداری تمام‌وقت از فرزندان، دستمزد نابرابر و ساعات کاری نامتناسب) را در سایه قوانین و مقررات جدید مربوط به دورکاری تنظیم کرد. برخی از راهکارها و انتخاب‌هایی که به زنان داده می‌شود، به‌طور چشمگیری در کاهش موانع اشتغال آنها موثر است. در چنین موقعیتی باید تهدید حذف زنان را به فرصتی برای ایجاد تغییر متناسب با شرایط کار زنان تبدیل کنیم.

موسسات آموزش عالی یکی از بسترهای مناسب ایجاد فرصت در زمینه ارتقای مهارت‌ها و تحصیلات زنان در راستای دستیابی به فرصت‌های شغلی برابر و متناسب هستند. در شرایط موجود که آموزش مجازی نقش اصلی و تاثیرگذاری ایفا می‌کند، همراهی و فراهم کردن شرایط متناسب آموزش برای زنان، بیش از هر زمان دیگری امکان‌پذیر است تا زنان جامعه از این طریق، نه‌تنها مهارت‌ها و دانش خود را ارتقا دهند، بلکه فرصت دستیابی به جایگاه شغلی برابر با مردان و توان چانه‌زنی با صاحبان مشاغل را نیز به دست آورند.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، مراقبت از کودکان برای برخی از خانواده‌ها هزینه‌های سنگینی دارد و در دوران قرنطینه و پساقرنطینه، به دلیل ادامه‌دار شدن آموزش مجازی در منزل و فقدان سیستم‌های حمایتی از مادران شاغل، زنان برای انجام مسوولیت شغلی با مشکلات بسیاری مواجه شده و به بیان دیگر، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری را متقبل شده‌اند. مشکلاتی از این دست، این پرسش را مطرح کرد که آیا سیاست‌های ادارات یا ساعات مدارس و مهدکودک‌ها همخوانی دارد؟ در نبود سیستم‌های پشتیبانی و حمایتی از مادران برای مراقبت از فرزندان، چه راهکارهایی وجود دارد؟ در چنین موقعیت‌های حساسی که جامعه با بحران‌هایی این‌چنینی مواجه می‌شود، می‌توان با کمک رسانه‌ها و فعالان این حوزه، با عینک گفتمان در مسائل موجود بازنگری کرد و تغییرات لازم را در جهت ایجاد سیستم مراقبتی متناسب با زنان شاغل از طریق نهادهای واسط اعمال کرد.

دیر یا زود این ویروس منحوس، جهان و کشور ما را با خاطره‌ای تلخ و سیاه ترک خواهد کرد، اما بدون هیچ ابهام و شک و تردیدی، جسم و روح مادران، به‌خصوص مادران شاغل، در روزهای پساکرونا بسیار ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از گذشته خواهد بود؛ مادرانی که کسب‌وکارها و وسیله امرار معاش خود را از دست داده، فشارهای اقتصادی بی‌شماری را تحمل کرده، روزهای سخت بیماری عزیزانشان را از نزدیک دیده و نگران سلامتی اعضای خانواده بوده و هستند و در نهایت، سلامت جسم و به‌ویژه سلامت روح و روان خود را در این روزها بیشتر از گذشته در خطر انداخته‌اند.

بنابراین طی این روزها نیاز است تا پیش از رخ‌دادن فاجعه‌ای غیرقابل جبران برای بانوان و مادران، اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام شود تا از به خطر افتادن جان و روح و روان این سرمایه‌های عظیم اجتماع جلوگیری شود.

معضل بیکاری زنان

سماء فرخنده‌نژاد
مدرس حقوق

بحران‌های نسل قرنطینه

رضامحمدیان‌امیری
پژوهشگر اقتصادی

بازارهای کار کشورهای جهان از بحران کووید-۱۹ به حد غیرمنتظره و بی‌سابقه‌ای آسیب دیده‌اند. در سال ۲۰۲۰، ۸/۸ درصد از ساعات کار جهانی نسبت به سال ۲۰۱۹ (معادل تقریبا ۲۵۵ میلیون شغل تمام‌وقت با فرض ۴۸ ساعت کار در هفته) از دست رفته است. به طورکلی، کاهش اشتغال در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۹ معادل ۱۱۴ میلیون شغل بوده است. حدود ۸۱ میلیون نفر از این افراد از بازار کار خارج شده‌اند. این امر به کاهش ۲/۲ درصدی نرخ مشارکت اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰ منجر شده است. همچنین ۳۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ در جهان بیکار شده‌اند.

برآوردهای جدید نشان می‌دهد که صدمات امواج مکرر کرونا به بازار کار در کشورهای جهان، در سال ۲۰۲۱ همچنان ادامه دارد، به طوری که ۴/۸ درصد از ساعات کار جهانی در سه‌ماه اول ۲۰۲۱ (معادل تقریبا ۱۴۰ میلیون شغل تمام‌وقت با فرض ۴۸ ساعت کار در هفته) و ۴/۴ درصد در سه‌ماه دوم ۲۰۲۱ (معادل تقریبا ۱۲۷ میلیون شغل تمام‌وقت با فرض ۴۸ ساعت کار در هفته) از دست رفته است. کاهش در ساعات کار، به معنای کاهش اشتغال از یک‌سو و کاهش در ساعات کار شاغلان از سوی دیگر است.

بنابر آخرین گزارش اشتغال جهانی و چشم‌انداز اجتماعی سازمان بین‌المللی کار (۲۰ آگوست ۲۰۲۱) پیش‌بینی می‌شود، ساعات کار جهانی در حالت خوشبینانه ۳/۲ درصد و در حالت بدبینانه ۴/۳ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یابد. در مجموع، پیش‌بینی می‌شود که نرخ بیکاری در جهان با اندکی کاهش از ۶/۵ درصد در سال ۲۰۲۰ به ۶/۳ درصد در سال ۲۰۲۱ و ۵/۷ درصد در سال ۲۰۲۲ برسد.

در این بین، توزیع این آثار بین گروه‌های مختلف یکسان نبوده است. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۲۰، کاهش اشتغال برای نیروی کار جوان ۸/۷ درصد از نیروی کار با سنین بالاتر، بیشتر بوده است. داده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که بحران کرونا جوانان را سریع‌تر و شدیدتر دچار آسیب می‌کند. این بحران چند تکانه بر آنها تحمیل کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱) اختلال در تحصیلات و آموزش که می‌تواند فرصت‌های شغلی بالقوه و درآمد را در آینده کاهش دهد؛

۲) موج کنونی از دست دادن شغل و از بین رفتن کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها که درآمد و اشتغال را کاهش می‌دهد (و حقوق کار را تهدید می‌کند)؛

۳) ظهور موانع بزرگ‌تر برای یافتن شغل، ورود (یا ورود مجدد) به بازار کار و تلاش برای انتقال به شغل‌های بهتر. این تکانه‌ها در حالی به جوانان وارد شده که این افراد قبل از بحران کرونا هم با چالش‌های جدی مواجه بوده‌اند.

بحران کرونا باعث دلسردی تعداد زیادی از جوانان و خروج آنها از بازار کار شده است. در شرایطی که امکان یافتن شغل محدود است، جوانان به‌دلیل سابقه کم یا نداشتن سابقه با موانع بیشتری برای یافتن شغل مناسب روبه‌رو هستند. از این رو، نرخ مشارکت نیروی کار برای جوانان باعث شده کار شناسان، جوانان را یکی از قربانیان اصلی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بحران کرونا بدانند؛ چرا که این خطر وجود دارد که اثرات بلندمدت این پیامدها در تمام طول زندگی کاری جوانان باقی بماند و به تعبیر سازمان جهانی کار، به ظهور «نسل قرنطینه» (Lockdown generation) منجر شود. نظر به شرایط نامطلوب اقتصادی، جوانان در تلاش‌های اولیه خود برای یافتن شغل با ترک شغلی که با سابقه تحصیلی‌شان مطابقت ندارد، ناکام می‌مانند. با توجه به اینکه رکود تشدیدشده با بحران کووید-۱۹، بسیار نامتعارف از رکودهای قبلی است، از دست دادن طولانی‌مدت دستمزد به احتمال زیاد توسط تمامی گروه‌های سنی جوانان که از آموزش‌های متوسطه یا دانشگاهی طی این سال‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، تجربه خواهند شد. این افراد با رقابت سنگینی برای شغل‌های کمتر در سال‌های آتی روبه‌رو هستند. این اثرات بر لزوم چاره‌اندیشی فوری برای بهبود وضعیت این گروه از جامعه دلالت دارد.